

حقیقت

۲۰ آذر ۱۳۵۸

شماره ۴۹

اخبار کوتاه

۱ - مدتی است که کارگران کارخانه کابین برای دریافت سودویژه یا کارفرمایان را لوصفت این کارخانه مبارزه میکنند. کارگران کارفرمای کارخانه که برادرش در دوران قیام فراری شده است مثل همه سرمایه داران به قدری خسیس و بی شرم است که کارگران هر بار که خواسته‌ای را مطرح کرده‌اند آنقدر آنها را سردوانده که از خواسته خود چشم می پوشیده‌اند.

حال که کارگران خواستار دریافت سودویژه نیمه اول سال هستند، اوبه بهانه‌های مختلف از جمله اینکه وزارت کار بخشنامه داده که سودی پرداخت نشود یا پرداخت سود خودداری میکند.

مدیر کارخانه هم یک نفر هندی است که در بیست مطیع او امر کارفرمایان می‌باشد. اذیت و آزار کارفرمایان آنقدر کارگران را به خشم آورده که بعضی از آنها میگویند با آخرین روز و وارد داخل فربری خواهند انداخت تا دیگر اثری از او نماند و از شرش خلاص شوند.

بقیه در صفحه ۳

در کارخانه سپیمان فارس چه میگذرد

گزارشی از کارخانه کاشی و سرامیک حافظ

کارخانه کاشی و سرامیک حافظ در جاده زرقان (شیراز) واقع است. تولید کارخانه انواع کاشی سرامیک با رنگهای مختلف میباشد. تعداد کارگران این کارخانه حدود ۴۰۰ نفر میباشد و حدوداً اکثر حقوق روزانه ۲۸۰ ریال است. کارخانه دارای شش مهندس بوده که حداقل حقوق آنها ماهیانه ۱۲۰۰۰ تومان میباشد. سرپرست کل کارخانه در زمان طاغوت شخصی بنام سرلشکر افتخارزاد بود که حقوق اوبه ۳۰۰۰۰ تومان میرسید. ساعت کار کارخانه در روز هشت ساعت بوده ولی کارگران ساعت شش صبح حرکت کرده و پنج بعد از ظهر به خانه خود باز میگرددند که رویه پرفته میشود. ساعت مواد اولیه کارخانه که شامل کائولین، سیلیکات، لعاب و رنگ میشود از ابتدا لیا و ارمی شوند.

کارگران واقع کارخانه در حال حاضر در ابتدا چون سرپرست کارخانه به تهران فرار کرده بود و هیچ کارگری نیز به مهندسها اعتماد نمی کرد یکی از علمای زرقان به کارخانه آمد و با وجود اینکه میگفت که نمایند با پادار میان خود کارگران انتخاب شود، خود چندین نفر را که لایق اینکار نبودند و حتی معلوماتی در این مورد نداشتند به نمایندگی انتخاب کرد. به زبان معمول امروزه منتخب آقا شدند. این نمایندگان که تحت فشار

کارگران واقع شدند برای گرفتن حق کارگران با سرمایه دار کارخانه تماس گرفتند تا در مورد پرداخت شش ماهه حقوق عقب مانده کارگران اقدام کنند ولی آقای سرمایه دار در جواب گفته بود شما بروید من هر چه زودتر با کارگران تماس گرفته و پول آنها را میدهم. مدتی گذشت تا اینکه سرمایه دار کارخانه نامه شیراز آمد و در عوض دادن پول به کارگران صحبت خود را اینطور شروع کرد: "بسمه تعالی، من با مهندس بازرگان نخست وزیر و هم چنین با خود آقای تماس گرفته ام تا به کمک کنند ولی آنها به ما گفته اند که فعلاً دولت پول ندارد و کارگران با پدیده کنند و خود هم چون بدهی زیاد به بانکها دارم نمی توانم پولی به شما بپردازم." وقتی که کارفرما با اعتراض کارگران روبرو شد گفت که هر کاری میخواهید بکنید حتی اگر منی خواهید کار کارخانه را آتش بزنید چون از دست من دیگر کاری ساخته نیست. کارگران وقتی که این اوضاع را دیدند تصمیم گرفتند که کمیته انتصابی را منحل کنند و یک شورای واقعی تشکیل دهند تا بتوانند به خواست آنها رسیدگی کنند ولی با دخالت شخصی بنام اسدبوری اینکار عملی نشد و همان افراد نالایق که با اطلاع اعضای کمیته نامه میداد می شدند در سمت خود باقی ماندند.

بقیه در صفحه ۲

پاکسازی و تصفیه در صنعت نفت معین فرو کارگران

کارگران مبارز صنعت نفت!
کارمندان شریف و زحمتکش!

بعد از قیام خونین بهمن ماه سال گذشته، کارگران در کارخانه ها، کارگاهها و موسسات تولیدی، بدرستی خواستار تصفیه و پاکسازی محیطهای کار خود از عناصر خائن، فاسد و وابسته شدند.

کارگران که طی سالهای سیاه حکومت ننگین پهلوی شاه اعمال سیاست ترور و اختناق افکار بودند؛ کارگران که شاه بود و ندانند که چگونه اموال ملی توسط عناصر وابسته به بیگانه غارت میشد؛ کارگران که سالها توسط همین عوامل، وحشیانه استثمار می شدند، اکنون دیگر نمی توانستند در کنار کارگران این سیاستهای فاسد و وابسته و آزار کارکنند؛ کارگران بدرستی تشخیص دادند که استقلال میهن، اعمال حاکمیت خلق و ادا نه انقلاب، بدون اخراج و محاکمه انقلابی این خائنین ممکن نیست.

حاکمان جدید در پاسخ به این خواست بحق کارگران و کارمندان ابتداسی کردند تا آنرا به "مبارز انقلابی" دعوت کنند و با تعویب و انداختن این مسأله، عملاً آنرا غیر ممکن سازند. اما بعد که با فشار رشیدید کارگران و کارمندان مواجه شدند، صحبت از "ضوابطی" کردند که در خدمت تحکیم موقعیت این خائنین بود و نه پاسخ به خواست کارگران و کارمندان. هیئت پنج نفره تصفیه و پاکسازی ادارات به انتخاب آقای نژیبه ما مور میشود که مسأله پاکسازی رسیدگی کند، تحقیق و مذاکره و بیجستهای طولانی شروع میشود و نتیجه، خوب! معلوم است بنا نیست که تحقیقهای صورت گیرد. قصد فقط خواباندن صدای اعتراض کارکنان و فریب آنسان است. مسأله پاکسازی را چه کسانی میتوانند انجام دهند؟ نمایندگان واقعی کارگران و کارمندان یا منتخبین آقای نژیبه؟

بقیه در صفحه ۲

پیش بسوی آزادی کارگران زندانی

برادران کارگر:

اکنون حدود دو ماه است که از دستگیری کارگران مبارز حسن بیابادی و حسن وند میگذرد و شورای کارفرما و شورای "انقلاب" حامی این شورا همچنان براریکه قدرت قرار دارند و بر ما اعمال نفوذ میکنند. همان شورای قلابی و ضد کارگری ای که

بقیه در صفحه ۲

مازی ...

بعدها آقای نژیبه در اختلاف با باندمشروع چنان برسر "قدرت"، از برکنار شدن و جالبینجا ست که از جمله دلایل برکناری آقای نژیبه یکی دم تصفیه در صنعت نفت و دامن زدن به نارضایتی کارکنان اعلام میشود. دتا با پیدا شدن نفت که با آمدن وزیر نفت! که دبیر دوم شورای انقلاب می ایران نیز هست، یعنی آقای معین فر، تصفیه و پاکسازی با سرعتی امگیرد، ولی این خیال خامی بیش نیست و دور باطل از نو آغاز میشود. را شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت از هوا که عمدتاً از عناصر شکار روز فرمیست تشکیل شده و سیاست های سازشکارانه را دنبال میکنند، فشار کارکنان صنعت نفت و در شرایط او جگیری مجدد مبارزات ضد - بریالیستی مردم میهنمان با لایحه اقدام به انتشار لیست اسامی کارکنان "خارجی" یا زنده و در حال تعلیق نمود، این عمل با وجود اینکه بی پروانه است انجام میگیرد، با این همه، چنانکه خواهیم دید، همین امهم برای وزیر نفت و دبیر دوم شورای انقلاب اسلامی قابل تحمل است. اما ببینیم آقای معین فر به این مساله چگونه برخورد میکنند. وزیر نفت! در بخشنامه ای که اخیراً فرستاده اند میگویند "این روزها در حالیکه با سات غذا میریالیسم و ضد استعمارگران خارجی و عمال داخلی آنها - میگیرد، گروهی ضد انقلاب و چپ نما های آمریکا می که منافع اربابان را در خطر می بینند، در حال توطئه برای لطمه زدن به گردش منظم صنعت نفت می باشند..." ویا "گاه با بهره گیری از حسن نیت اعضای ق. و پ. کدل و تحت عنوان پاکسازی ولی در باطن به منظور لطمه زدن به صنعت نفت بدون توجه به تومیه ها و دستوره های صریح مقامات رسمی، اقدام عزل کارکنان موثر و زحمتکش شرکت مینمایند." آقای معین فر از همان زخیلی فرصت طلبانه از جود امپریالیستی موجود در میهن ما می - هند بهره برداری کنند و خیلی عوام فریبانه با تمسک به این مساله می - هند عمل انقلابی کارکنان را در زمینه پاکسازی و تصفیه مخدوش کنند. بداند دبیر دوم شورای انقلاب! پرسید، اخراج عناصر خائن، ضد مردمی و ماکارگزار سیاست جهانخواران، گجایش با مبارزات ضد امپریالیستی - مضدیت دارد. مگر نه اینکه مبارزه ضد امپریالیستی نه در حرف بلکه در عمل و با اجرای خواسته های انقلابی توده ها عمق و استمرار می یابد؟ باید آقای معین فر پرسید شما می که دم از "احساسات ضد امپریالیسم و ضد استعمارگران" میزنید، چرا خواست انقلابی ستدیگای مشترک کارکنان صنعت نفت تهران که حتی قبل از اشغال جاسوسخانه آمریکا، در زمینه قطع و رفتن به آمریکا غایب و استرداد آنها انجام شده بودی پاسخ گذاشتید آنجا نیکه آمریکا خود، بنظر خودش برای تحت فشار نگاردن ما، خریدن نفت از ایران، متنوع اعلام کرد شما فرصت طلبانه و رویا کارانه آن را اقدامی طرف شورای انقلاب اعلام نمودید. و با زیبا بدیدرسید چرا اراده انقلابی کارکنان شرکت های حفاری را در زمینه ملی کردن شرکت های حفاری خارجی دیده گرفتید تا جایکه خود کارکنان متهورانه و در روند مبارزات ضد - بریالیستی، این شرکتها را ملی اعلام کردند و هم اکنون نیز شما در حال لال در این امر هستید؟ آقای معین فر میگویند، پاکسازی و تصفیه که است کلیه کارکنان است، اولاً یک توطئه است، دوماً فقط دسته ها و روه های خاصی این مساله را عنوان میکنند و شما بدون توجه به دستور بیح مقامات در این زمینه اقدام به عزل کارکنان موثر و زحمتکش! می - آیند.

آقای معین فر، عوام فریبی بس است! کارکنان دیگر فریب این ایح و شعالیسم آریا مهری شما را نخواهند خورد، تصفیه و پاکسازی توطئه ست و بدتر! اینکه تنها عوام مل خاصی و با طبق تهمت شما "چپ نما های ریگانی" این مساله را عنوان نمی کنند، بلکه این خواست کلیه کارکنان بوده و هست و برای انجام آن نیز ایستاده و خواهند ایستاد این تو - ن مستقیم شما را هم بموقع پاسخ میدهند.

بقیه در صفحه ۳

بیش بسوی ...

توطئه دستگیری همکار - انمان را مستقیماً به مرحله عمل درآورد. همان شوری که بیعت خدیت با خواسته های ما و سنگ اندازی آگاهانه در زمینه قرارداد آبیولانس در کار - خانه، خود موجب سوختگی مدا م با وی و تشدید جراحات وارد بر او شد.

همانطوریکه همه شا هدیو دیم حسن با بادی کسی بود که به تنها شی (دربین "شما بیندگان") بر علیه زورگو شیعی شوری کار فرما ایستاد و تسلیم نشد، بطوریکه وقتی کار فرما و بادی کشیش عزم را سخا و او را در جهت پافشاری بر روی حقوق حقه ما مشاهده کرد، دست در دست نیروی ویژه (بخوا - نیدسا واک "جمهوری اسلامی") توطئه ای بر علیه او بنا نهاد و "طرفی" را ما موربانه انجام این توطئه کرد. با آنکه او از قبل توطئه های شورا را حدس زده بود میگفت "اراده من خلل ناپذیر است، حتی اگر بدو نم که میمیرم اما راهم را که همه نا دفاع از حقوق معنوی و مادی کارگران است، خواهم رفت." با لایحه ارتجاع حاکم بر کارخانه ضربه خود را زد و "طرفی"، این علف - هرزه خود فروش به شاره شان ضربه ای با چماق برفرق او کوفت و سپس فرار کرد، که البته او را گرفتیم. بعد از زدن این ضربه، حسن ۶ ساعت بیهوش بود و ما شا هدیو دیم که چگونه شوری کار فرما با کمک ارتجاع حاکم بر شهرها هوا ز تو - طئه کردند تا او را حتی بر روی تخت بیمارستان به قتل برسانند و برای اینکار از همه امکانات و ابزار استفاده کردند. راستی برادران مگر حسن چه میگفت و چه میخواست که او را این چنین کردند؟ آیا جز این بود که این نما بینده واقعی ما با وجود داشتن زن و بچه از جان و مال و حتی زندگی خا نواده خود بیخاطر منافع همه جانبه ما گذشت؟ آیا جز این است که جگر - گوشه های با بادی هر لحظه چشم انتظار دیدن پدر خویشند و آیا وجدان آگساره شرافت کارگرمیمان به ما حکم نمیکند که متحدانه در راه آزادی این عزیزان مبارزه کنیم. مگر نه اینکه وقتی دکترمعالج گفت که او با پیدا تحت درمان دقیق پزشکی متخصص قرار گیرد، همین "حامیان" دو آتش عدالت او را از روی تخت بیمارستان مستقیم به زندان انتقال دادند؟ آیا جز این است که ضربه وارده بر سر حسن که همواره بر روی خواسته های ما پافشاری میکرد، ضربه زدن و سرکوبی حقوق اولیه ما کارگران بود؟ او با اینکه میداست خا نواده اش بی سرپرست میشود، ولی از حرفش که همانا حکایت از راه ما کارگران می - کرد، بر تگت و دلایلش هم اینست که الان بی هیچ جرمی در گوشه زندان است. کارگران عزیز، هیچ از خودتان پرسیده اید که چرا این کارگرمیسارز در زندان بیوسد، زن و بچه اش بی سرپرست و بدون نان آوریمانند و "طرفی" مزدور سینه اش را جلو بگیرد و در محیط کارگاهها و آفیسها راه برود و نماس - بیندگی "قانون" را در شرکت ما به عهده بگیرد؟ مگر نه اینکه همین شورای ضد کارگری دست در دست و همراه با نیروی ویژه - این بخش جاسوسی و در خدمت کار فرما و حکومت حامی اش - این مزدور خود فروخته را در دامن خود پناه داد و دندوبان ما مورکمیت، تطهیرش کردند و در حالیکه دوستان عزیز ما و مبارزمان ما نند خیرا له حسن و ندوا سکندر قنبری را می گرفتند، قناه قساه به ریش همه ما میخندیدند؟ این چه شورائی است که کارگرمی و عملا فراس - موش کرده است؟ این چه نمایندگان است که توی سینه کارگرمی - ایستند و به نفع سرمایه داران رشعا میدهند؟ این چه شورائی است که تک تک

بقیه در صفحه ۳

در کارخانه ...

جدید همان آقای اسد پور دستوری - دهدو کارگران را تحریک میکند که فعلاً نمی توانید شورا تشکیل دهید. با همه این احوال ما کارگران راحت ننشستیم و با اعتراض و تخمین توانستیم مبلغ دو میلیون تومان از کار فرما بگیریم که حقوق سه ماهه ازینج مساله حقوق ما برداخت شد. چندین بار آقای آذرنوش رئیس اداره کار به ما قول داده اند که هیئتی از تهران برای بررسی کارخانه دولتی کردن آن خوا - هند آمد و حتی یکی دوبار هم گفت تلغن زده ما مدرسه هستند ولی تاکنون خبری

نشد همچون کارخانه روبرو تعطیل بود و نتیجتاً ما بیکار میشدیم بعد از دنبال کردن کار و راه دوبیاد کردن از طرف سرمایه داران چند تریلی مواد اولیه وارد شد و این کفاف یکماه کارخانه را میدهد و ما بعد از این دانیم چکار کنیم. در حال حاضر قرار شده یکی از مهندسیان از ظرف خود کارگران به ریاست و مسئول کارخانه معرفی شود و بقیه به کار تولیدی بر دایم در صورتیکه آقای اسد پور دخالت نکند. البته ما می - داریم که در آنوقت بتوانیم کمیته را منحل و شورای واقعی خود را تشکیل دهیم.

بقیه در صفحه ۳



پیش بسوی ...

ما کارگران منعی کردیم، تحریمش کردیم و شعار آنخلال آنرا دهها بار سر دادیم ولی هنوز با زور اعمال قدرت میکنند؟ وزما نیکه نیروی اتحاد ما کارگران این شورا را حمایت نکنند و عملاً آشکارا "نیروی ویژه"، "انتظامات" و "گارد" و "سپاه انقلاب" که همگی ابزارهای حکومت کثونی اند آنرا سرپا نگه دارند، آیا می توان از تصفیه این شورا صحبتی نمود؟ مگر نه اینکه خود این شورای کارفرمای فرمایشی با به زندان افکندن تنها شما یئنده واقعی ما، حسن بیادی، دست به تصفیه خود زده، پس تصفیه این شورا دیگر چه معنایی دارد؟ آیا جز فریب ما کارگران و نفاق انداختن در بین ما به سود سرمایه داران، چیز دیگری هم هست؟

آری دیگر برای ما کارگران، شورا با آن اسانما ماش که بسیار گنگ و مبهم است و دست کارفرما و اینا دیش را برای همه گونه برداشت می بقیه در صفحه ۴

اخبار ...

کارخانه (کا بن)، در ۸ کیلومتری جاده مخصوص کرج مقابل کارخانه دکتر عبیدی داخل خاکی قرار دارد و تولید آن انواع چینی جات میباشند. یک نمونه از قلد رمنشی هائی که کارفرمای کارخانه (که فرآزی شده) یعنی برادر کارفرمای فعلی انجام داده اینست که یکبار روقتی کارگران برای رسیدن به خواسته های خود دست به اعتصاب زدند پیش از مدتی از کارگران اعتصابی را اخراج و بجای آنها کارگران خارجی استخدام کرد. این مسئله مربوط به سلسله ای گذشته است ولی حال حاضر همان برنا به صورت دیگری انجام میشود.

نکته دیگری که کارفرما همیشه رعایت میکنند این است که فقط کارگران بی سواد یا کم سواد را استخدام میکنند. اوسعی میکنند کارگران را انتخاب کنند که از روستاهای کردستان و آذربایجان آمده اند. و با این کارش میخواهد از ورود افراد با سواد جلوگیری و مانع رشد فکری کارگران شود.

۲ - کارگران کارخانه رنگ ها و پلوسکس از اجناس مدیران طباغی کارخانه به ستوه آمده و به هر جا که می شناختند مراجعه و شکایت کرده اند. اما چون تا به حال به نتیجه ای نرسیده اند با آویزان کردن پارچه هائی در مقابل درب کارخانه دیگر کارگران و مردمی را که از جاده کرج عبور میکنند در جریان مبارزه و درددل خود قرار داده اند. این کارخانه در جاده مخصوص کرج نزدیک پمپ بنزین (ه کیلو - متری) واقع است.

۳ - روز دوم آذر چندین خانوار از اهالی گودر سولی بطرف خیابان میرداماد رفته و یک ساختمان در این خیابان را محاصره کردند. همچنین حدود ۱۵ نفر خانوار از گوداج ماشا اله در روز سوم آذر اینکار را در رابطه با ساختمان نزدیک حسینیه ارشاد انجام دادند که طی آن درگیری و زد و خورد با موران کمیته بوجود آمد و ۵ نفر نیز دستگیر شدند.

۴ - روز چهارم آذر ساعت حدود ۱۲:۳۰ بیش از ۱۵۰ تن از دانش آموزان مدرسه راهنمایی ۲۲ بهمن با در دست داشتن تابلوی مدرسه خود در خیابان جمهوری اسلامی (شاه سابق) همراه با شعار اتحاد اتحاد علیه مستکبرین، بطرف اداره کل آموزش و پرورش دست به راهپیمائی زدند. جریان بدین قرار بود که حدود دو هفته پیش مدرسه این دانش آموزان که در نازی آباد واقع بود ویران شده بود دانش آموزان از یک هفته قبل در اداره آموزش و پرورش ناحیه ۷ هر روز برای این مشکل جمع میشدند ولی پس از یک هفته از آن اداره نا امید گشته و امروز از نازی آباد راه افتاد و برای به انجام رساندن خواست خود رهسپار اداره کل آموزش و پرورش گشتند.

میکنند، تحصن میکنند و... چرا از استعمار روحشانه کارگران بدست سر ما یه داران چیزی نمی گویند؟ راستی چرا؟؟
با وحدت خویش توطئه های نفاق افکنانه را درهم شکنیم!
با اتحاد و مبارزه خود، مرگ امپریالیسم و ارتجاع را سرعت بخشیم!

اهواز - ۷ آذر ۵۷ عده ای از کارگران و کارمندان صنعت نفت (هسوادار اتحادیه کمونیستهای ایران)

با کسای ...
در ضمن با بیدار آقای معین فریرسید که "کارکنان موشرو و زحمتکش که شما نمی خواهید عزل شوند چه کسائی هستند؟ چرا خجالت میکشید؟ ما به شما کمک میکنیم. مراد شما از کارکنان موشرو و زحمتکش، عناصری چون رثوفی مدنی نژاد، سراجی، گرامی، تماعدی و... هستند. یعنی تکنوکراتهای آریا مهری. یعنی کارگزاران سیاست چپا خواران، یعنی عناصر خائون و ضد مردمی، وگرنه بیاید تحقیق کنید و ببینید که در این لیست، کارکنان زحمتکش و موشرکیا نند؟

آقای معین فر! همه ما میدا تبیم که توجه به دستورهای "صریح" همین با اصطلاح "مقامات" ما را به این روز نشانداده است. خیر آقای معین فر، کارگران منافع خود را بهتر از این با اصطلاح "مقامات" رسمی میفهمند و خود نیز می توانند و می دانند که چگونه خواست های خود را عملی کنند.

برای ما تعجب آور نیست که شما عناصر خائون و ضد کارگران زحمتکش و موشرکیا نند و نیروی عظیم کارگران و کارمندان مبارزان را در دهه آنرا به هیچ بگیرید، چرا که شما قدم در همان راهی میگذارید که اسلاف شما در گذشته پیموده اند و نتیجه آن را هم دیده اند. وقتی که بنیاد شما نیز از این راه طی کنید، به عواملی احتیاج دارید که این راه را پیموده و در آن کار رکنش با شند؛ به عناصر تکنوکراتی شبیه به خودتان آقای مدیر تحقیقات و استانداران در سازمان برنا مه رژیم سابق! یعنی آقایان رثوفی، سراجی، گرامی و از این قبیل.

آقای معین فر که اخیرا موقعیت خود را تحکیم شده می بینند (عضویت "شورای انقلاب" و دبیردومی آن)، دیگر از آن روش کارانه و فریب کارانه دست برداشته اند و خیلی عریان و آشکارا کارگران و کارمندان را تهدید میکنند و اقدام آنرا در زمینه پاکسازی و تصفیه، از خلال و خرابکاری می دانند.

از کارگران میخواهند که به دقت مراقب اوضاع باشند. از ما می - خواهند در امور اجرایی مربوط به مدیریت دخالت نکنیم، از ما میخواهند که عامل بی چون و چرای "مقامات" باشیم و شاهکارها را روا و هر سیاست ضد - انقلابی آنرا بوده و دم هم نزنیم. از ما میخواهند جلوی "مدخلات" هر گروه و دسته ای را در امور جاری صنعت نفت تحت هر عنوان و بنا می، بگیریم. آقای معین فر قمدارند با رودر و قرار دادن کارکنان، به منظور تخریف افکنشی از تشکل کارکنانهای مبارزه و حق طلبی جلوگیری کنند. ما یادم آن نرفته است که در گذشته نیز همین چیزها را از ما میخواستند و همین سیاست دنبال میشد. ما یادم آن نرفته است که چه جو بی اعتمادی و ترس آلودی بوجود آورده بودند. ولی ما کارگران دیگر هرگز زیر بار سیاست ترور و اغتصاب نخواهیم رفت و نخواهیم گذاشت که بر ما همان رود که در گذشته رفت.

خیر آقای معین فر کورخوانده اید! کارگران به چماق شما تبدیل نخواهند شد و پاسخ لازم را به شما خواهند داد و دوبری نخواهد شد که شما و همکارانتان و همراهانتان را مانند اسلافتان رسوا و طرد کرده و شما را نیز بدنبال آنان بفرستند. آقای معین فر چه سیاستی را میخواهند دنبال کنند؟ سیاست ایشان هر چه باشد از سیاستهای شورای به اصطلاح انقلاب جدا نیست. ایشان برخلاف تبلیغات دروغین هیأت حاکمه، با داده هنده سیاستهای ضد کارگری آقای نرینه هستند، منتها با پوشش مذهبی و عوام - فریبانه تر.

آقای معین فر مجری سیاستهای شورای به اصطلاح انقلابی است که اولین قدرت نمائی خود را پس از قبضه کردن کامل قدرت با تهدید کارگران و زحمتکشان و ممنوع کردن و ضد انقلابی دانستن هرگونه اعتصاب، کمکاری و تحصن نشان میدهد. اما کارگران به اربابها و تهدیدها تسلیم نخواهند شد و به شورای به اصطلاح انقلاب یک "نه" بزرگ تحویل میدهند. راستی چرا این شورای به اصطلاح انقلاب نمیگوید که چرا کارگران اعتراض میکنند، اعتصاب

گزارشی از مبارزه خوش نشینان روستای اتابک کرمان فارس

روستای اتابک در جلگه کرمان ۵۸/۸/۲۲ دوباره گرد هم جمع شدند. مالک چند روستای دیگر در این روستا حدود یک هزار روستا دارد. جمعیت این روستا حدود یک هزار نفر میباشد که تعداد ۶ خانوار دهقان پاشی کردند. کشمیری ما موران کمیته و ۶ خانوار دیگر خوش نشین میباشد. اما مرابیان روستا آورده که زن مردم این روستا که کارگر کشا و رزی و زنا و مرد و بچه همگی بقول خودشان سینه به قالیبافی اشتغال دارند در خاشاک سپر کرده و جلای پاداران می ایستند. کویر تعداد کمی هم دامدار هستند. پاداران به خوش نشینان میگویند محصولات این روستا جو، گندم، چغندر، شمشاد و غیره است. پاداران به شمشاد و غیره همراه ما بیایند. آن جمعی که کشمیری میباشد که وی نامهای به شمشاد و دیگر مالک با مالک چند روستای دیگر در این روستا دارد. ده بیدمرو - نشینان میگویند شمشاد و غیره انداخته اند. دشت، و چند روستا در منطقه بیضا نیز هست که بعد از انقلاب و قیام مسلحانه ۲۲ بهمن زمینهای روستاهای ده بید و منصور آباد به تصرف دهقانان همان روستاها درآمد. روستای اتابک در سال ۴۲ در اصلاحات ارضی شاه خاکن تقسیم شد و مقدار کمی از زمینهای پست و نا هموار بعنوان تقسیم ارضی به دهقانان داده شد و از سال ۴۲ به بعد فقط خوش نشینان برای مالک کار میکردند. در اردیبهشت ۵۸ خوش نشینان خواستار زمین از کشمیری شدند ولی کشمیری بوسیله ۳ نماینده داخل روستا آنها را بوسیله اسلحه تهدید میکنند. دهقانان عقب نشینی میکنند. چون از فروردین ۵۸ با مالک و هرنیروی دیگر دعوا کنیم. در جلگه مرودشت کرمان دهقانان چندین روستا بر علیه مالکان قیام کردند و زمینها را به تصرف درآوردند. خوش نشینان روستای اتابک طی تجارتی که بدست آوردند تا ریخ بشینان می کنند.

از وحدت همگی ما بر سر نیروهای فدکا رگری فرود می آید. ما اکنون دیگر برای پول چانه نمی زنیم، برای شکمان چانه نمی زنیم بلکه برای این زورگوئیها و اجافات غذا زادی و قوانین و حرکات فدکا رگری است که می خواهم به صورت ارتجاع و عواملش تفبیباندا زیم، هر چند که این بزدلان ظرفیت شنیدن صدای رعد آسای ما و صدای قدمهای سهمگین ما را ندارند. باشد که با ردیگر پشتشان بلرزند و دوباره به لانه کشیف خودشان فرار نکنند. این را تاریخ به ما میگوید و تاریخ از آن ما انسانهای متحد تحت ستار و زحمتکش است و جز این شیز نخواهد بود.

دوستان و برادران کارگرفراستر - ویلر تهران جنوب: مدت است که زمزمه تمام شدن حیات لانه جاسوسی کارفرما به گوش میرسد و خبر از انحلال این بنگاه را میدهند. و اینطور که معلوم است یک توطئه در این رابطه علیه منافع ما کارگران بدست کارفرما و مزدورانش در پاد میگیرند. آنها میخواهند برای هر چه بیشتر استعفا کردن ما کارگران، برای سرکوب مبارزات و خواسته های مطرح شده از طرف ما و لگدمال کردنشان، ابتدا مساله توطئه به زندان افکندن کارگران مبارز، با بادی، حسن و بندوقنبری را با توطئه سکوت از یاد ما ببرند و با یک برنام حساب شده شورای فدکا رگری فعلی را که چون غده چرکینی در صحنه کارخانه است، دوباره بر سر نوشت ما خاکسازند. یعنی میخواهند با بادی، این نماینده فداکار و طرفدار خواسته های بحق ما را از صحنه دور نگاه دارند و بنا بر این خواسته های ما را لگد کوب کنند. در مقابل ما با بیدر مقابل آنان بر روی خواسته آزادی حسن با بادی با فشاری کنیم و همگی همکاران کارگران را در جهت آزادی او متحد کنیم. اما منتظر با بادی با بیدار شد و دوباره به سرکار خود بازگردند بلکه با بیدر کارخانه به عنوان نماینده ما در سندیکا، واقعی یا انتخاب شود. با بیدار انتخاب واقعی را به بیدار زیم و شاعر کارگر را "زادی با بادی"، "سندیکا سنگر ما است، با بادی نماینده ما است" گردانیم. آری ما با بیدار انتخابت و ایهاندا زیم، ما چه نوع انتخاباتی؟

دوستان کارگر، آیا شورا با آن همه کلمات سلمبه و قلمبه و آن اسامی سنا مه و پهلوی و مبهمش برای ما کاری کرده؟ آیا شورا که این همه شورا شورا میگردند، موفق شد که می هر چند کوچک را برای احقاق خواسته های ما ببرد؟ آیا البته که نه. واقعاً درود بر با بادی که توانست پنجاه نفر را با حمایت و اتحاد مصوف ما از کارفرما و دولت حاکمیش بگیرد. کارگران مبارز، ما با بیدار تشکیلاتی از خودمان، یعنی تشکیلاتی که منافع ما را مستقیماً در برداشته و از یالاهما خسته نشده با شورا بنا کنیم. و آن چیزی نیست جز همان سندیکائی که هزاران بار بالاتر از این شورای فدکا رگری برای ما کار میکنند. گما - اینک زمان ما این تشکلات اولیه و واقعی ما پشت کارفرما و پاداران همیشه او و بلرز در می آید. ما با بیدار ایجا سندیکای واقعی، مستقل از کارفرما و ادا ره کار و دولت کار کنیم. چرا که سندیکا اگر بخواد واقعی باشد، با بیدار مستقل از این نیروها بوده و تنها بدست خود ما ساخته شده و فقط ما کارگران بر آن کنترل داشته باشیم. ما با بیدار متحداً انتخابت سندیکائی را پیش پای خودمان قرار دهیم، و از فکر باطل تصفیه شورا دور شویم. ما با بیدار با بادی را به عنوان اولین نماینده انتخاب کرده و خواستار آزادی فوری او شویم. ما نباید گول کارفرما و متحدانش را که مزدورانی بیش نیستند، بخوریم. با بیدار شوری انقلابی خود را حفظ کرده و شورا ایجا سندیکا را هر چه بر توانست بر فربا دبزنیم.

کارگران مبارزان سترویلر - تهران جنوب: این روزها شرکت لظه های حساس و تاریخی را میگذرانیم و ما با بیدار کوششایمان را در جهت آزادی برادران کارگران و ایجا سندیکا که تشکیلات واقعی ما است بکار ببریم. باشد که با ردیگر راه ما را سخت نشود و کارفرما و مزدوران شورا شیش بداند که کارگران را نمی توان به بساد استیزاء و مسخره گرفت و این برای آنها گران تمام خواهد شد.

پیش بسوی آزادی کارگران زندانی: پیش بسوی ایجا سندیکای واقعی صنایع فولاد به نمایندگی اول حسن با بادی با بادی نماینده ما است، سندیکا سنگر ما است پیش بسوی افشاء هر چه بیشتر شورای فدکا رگری و ارتباط ننگینش با کارفرما پیش بسوی اتحاد لال شورای فدکا رگری کارگران صنایع فولاد آواز - ۱۱ آذر ۵۸

پیش بسوی آزادی گداخته، و نیز نیروی ویژه و انتظامات و کار دوسپاه انقلاب اسلامی همه یکی است و هر کدام دست در دست هم در جهت اهداف و منافع سرمایه داران و بر علیه ما کارگران انجام وظیفه کرده اند و تا زمانی که هر گونه تشکیلات قلابی با نام شورا و با آنچنان اساسنامه ای حتی بجای این شورا بوجود آید، جز این توقع دیگری هم از آن نیست. مساله دیگر اینجاست که اینها تمام این کارهای فدکا رگری را انجام میدهند و هر ما هم کلی پول به اسم خدمت به ما خرج حیف و میل می کنند. ولی ما با ردیگر ثابت خواهیم کرد فرهنگ و شرافت کارگری چیست و چگونه همواره بیدار است و مشت است که